

تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی؛ ضرورت‌ها و بایستگی‌ها^۱

* ابوالفضل اسکندری فاروجی

** اصغر منتظرالقائم

*** علی‌اکبر کجیاب

**** هادی وکیلی

چکیده

انقلاب اسلامی ایران از مهم‌ترین رویدادهای اواخر قرن بیستم در جهان، دگرگونی‌های گسترده‌ای را در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی ایران به همراه داشته است. تاریخ‌نگاری نیز از این دگرگونی‌ها بی‌نصیب نماند. تاریخ‌نگاری امری مهم، پیچیده و حاصل تعامل آگاهانه ذهن مورخ با واقعه تاریخی است و در هر عصری برخاسته از اندیشه‌ها و گفتمان‌های نسل معاصر خود است که در پرتو آن، دوره‌های تاریخ‌نگاری متفاوتی شکل گرفته‌اند. چنان‌که نمی‌توان پذیرفت تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی در سبک، روش و نگرش، ادامه تاریخ‌نگاری عصر پهلوی باشد. آنچه در تاریخ‌نگاری اهمیت دارد، شناخت روند رخداد تاریخی، نگرش و تفکر مورخ، پیرامون آن است. به این خاطر مورخان در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی و تحلیل رخدادهای تاریخی ضروری است بر مقدمات و بایسته‌هایی در این امر توجه نمایند تا زمینه‌های شکل‌گیری تاریخ‌نگاری جامع و مستندی را فراهم سازند. در این پژوهش سعی شده است ضمن اشاره به سیر تکوین تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، با روشی تحلیلی و مسئله‌محور، مهم‌ترین ضرورت‌ها، بایستگی‌ها و آسیب‌های تاریخ‌نگاری نقد و بررسی شود.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، تاریخ‌نگاری، تاریخ شفاهی، سندپژوهی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای ابوالفضل اسکندری است.

*. دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی ایران، دانشگاه اصفهان و مدرس گروه معارف اسلامی.

eskandari.Abolfazl@yahoo.com

montazer5337@yahoo.com

aliakbarkajbaf@yahoo.co.uk

vakili355@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۷

** استاد دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول).

*** استاد دانشگاه اصفهان.

**** دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد.

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۸/۲۹

طرح مسئله

جهان در قرن بیستم شاهد حوادث و تحولات گسترده و حتی خیره‌کننده‌ای بود که یکی از آنها وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ / ۱۹۷۹ است. این انقلاب با درون‌مایه‌های مذهبی و ویژگی‌های منحصر به فرد، از سایر انقلاب‌های جهان متمایز است.

انقلاب اسلامی ایران در کشوری رخ داد که به گمان بسیاری از اندیشمندان و مراکز اطلاعاتی غربی؛ وقوع آن غیرممکن بود؛ تا آنجا که دولت آمریکا ایران را جزیره ثبات نامید چراکه ایران از نظر اقتصادی از رشد بالایی برخوردار بود و حکومت پهلوی نیز با انجام اصلاحات به اصطلاح «انقلاب سفید» توانسته، نیروهای مخالف و اپوزیسیون خود را به انزوا کشاند و در عین حال با کاربست سازمان‌های اطلاعاتی - امنیتی و به‌کارگیری تمامی رسانه‌ها، ضمن برخورد با جریان‌های معارض، افکار عمومی را به سمت و سوی گفتمان و ایدئولوژی شاهنشاهی خود کشاند.

نهضت اسلامی که به رهبری امام خمینی علیه‌السلام در سال ۱۳۴۱ با مخالفت ایشان با تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و نیز همه‌پرسی انقلاب سفید آغاز شده بود در خرداد ۱۳۴۲ به قیامی علیه استعمار خارجی و استبداد داخلی تبدیل شد. این نهضت در فرایند شکل‌گیری، به اصول و مبانی اصیل اسلام به‌ویژه شیعه چون جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، امامت، پیوند دین و سیاست و در نهایت لزوم تشکیل حکومت اسلامی مجهز گردید.

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ اثرات شگرفی در داخل و خارج از کشور نهاد. مهم‌ترین آن «تأسیس نظام جمهوری اسلامی» در ایران بود که با کاربست دیپلماسی عمومی و سیاست صدور انقلاب اسلامی به خارج از مرزها، زمینه‌ساز حرکت‌های ملی و قیام‌های ضدامپریالیستی در سایر کشورهای مسلمان گردید. (بنگرید به: اسکندری فاروجی و آقا حسینی، ۱۳۹۴: ۲۶ - ۷)

بی‌تردید انقلاب اسلامی ایران از ویژگی‌هایی چون ماهیت ایدئولوژیک و مذهبی، رهبری امام خمینی علیه‌السلام، حضور اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی شهری و روستایی و عدم وابستگی به دولت‌های بیگانه و بلوک شرق و غرب برخوردار است که این انقلاب را از سایر انقلاب‌های تاریخ متمایز کرده است و اندیشمندان علوم سیاسی و نظریه‌پردازان تئوری‌های انقلاب را به چالش و تجدیدنظر در آرای گذشته خود رهنمون نموده است. دگرگونی‌های بزرگ اجتماعی مانند «انقلاب» پیامدهای گوناگونی در ارکان اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر کشوری به همراه دارند. از آن شمار تمایل اندیشمندان و نظریه‌پردازان به بررسی و مطالعه انقلاب است. پدیده انقلاب از آن جهت که مرتبط با بسیاری از حوزه‌های دانش بشری از جمله جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و تاریخ است و از سوی دیگر هیچ‌یک از علوم به‌تنهایی قابل بررسی و تبیین

آن نیست، ضرورت دارد این پدیده به صورت مطالعات میان‌رشته‌ای و با بهره‌گیری از حوزه‌های مختلف علمی و معرفتی مورد بررسی قرار گیرد. (گلشن روغنی، ۱۳۸۵: ۵)

درباره انقلاب اسلامی ایران کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری در محافل علمی و سیاسی جهان ارائه شده است که نشانگر میزان اهمیت و توجه دانشمندان و مؤسسات پژوهشی حوزه‌های مختلف علمی به آن است. دو پرسش اصلی که در این مطالعات مورد توجه قرار گرفته است عبارتند از:

۱. زمینه‌ها، علل و عوامل شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران چه بودند؟

۲. آثار و نتایج، پیامدها و دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران چه می‌باشند؟

انقلاب اسلامی ایران بنا به طبع دگرگون‌ساز خود، بر حوزه‌های مختلف کشور تأثیرات شگرفی را به دنبال داشت که از آن جمله تأثیر بر تاریخ‌نگاری به‌عنوان یکی از شاخه‌های فرهنگ، و برانگیخته شدن میل مورخان به نگارش رویدادهایی که منجر به سقوط یک حکومت و آغاز حکومتی دیگر شده، است. (بهبودی، ۱۳۸۳: ۷) بر اهمیت آن در تاریخ و تاریخ‌نگاری، برخی چنان پیشرفته‌اند که تاریخ ایران را به دو دوره پیش از انقلاب اسلامی و پس از انقلاب اسلامی تقسیم کرده‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاریخ‌نگاران آثار بسیاری با دیدگاه‌های موافق، مخالف و یا بی‌طرف نسبت به آن به‌ویژه از نظر روایت، تحلیل و ارزیابی در داخل و خارج از کشور نوشته‌اند که شاهدهی بر این ادعاست.

این پژوهش درصدد پاسخ به پرسش‌های زیر است:

سیر تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی چگونه است؟ در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی چه ضرورت‌هایی باید مورد توجه قرار گیرد؟ هدفمندی در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی چه جایگاهی دارد؟ تاریخ‌نگاری‌های گوناگون چه تأثیری بر آن دارد؟ منابع مختلف به‌ویژه اسناد تاریخی در بازسازی تاریخ انقلاب اسلامی چه اندازه مورد توجه بوده است؟ تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی چگونه فرصت لازم برای همه طبقات و اقشار حاضر در انقلاب اسلامی را فراهم کرده است.

فرضیه‌های این پژوهش در این میناست که تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی در سبک، روش و بینش متنوع و در سیر علمی‌گرایی در پیش است. توجه به ماهیت انقلاب اسلامی و هدفمندی تاریخ‌نگاری آن، استفاده از تاریخ شفاهی و سندپژوهی، شناخت جریان‌های مختلف تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی و نقد آثار آنان مهم‌ترین ضرورت‌های تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی می‌باشند که توجه به آنها در پیشبرد مورخ به تاریخ‌نگاری عینی و جامع از انقلاب اسلامی مؤثر است.

تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی و سیر تکوین آن

تاریخ و تاریخ‌نگاری به‌عنوان یکی از ابعاد و مظاهر فرهنگ و تمدن حائز اهمیت بسیاری است؛ زیرا در

سایه بررسی‌های تاریخی، انسان به شناخت و دریافت وجوه مختلفی از فرهنگ و تمدن انسانی دست می‌یابد. (سجادی و عالمزاده، ۱۳۸۸: ۱) از این رو همواره تاریخ و تاریخ‌نگاری در جوامع بشری مورد توجه بوده‌اند.

تاریخ یک ملت، هویت آن ملت را می‌سازد و هیچ ملتی جدای از تاریخ خود نمی‌تواند باشد. چراکه کناره‌گیری از تاریخ نتیجه‌ای جز دور ماندن یک قوم از جریان تکامل نیست. (زرین کوب، ۱۳۷۰: ۵۲) تاریخ «گفتگوی بی‌انتهای حال و گذشته است». (نورائی، ۱۳۸۷: ۹) گفتگویی که حاصل تعامل مورخ با وقایع، از دریچه نگاه او به گذشته است. در این تعامل تفسیر مورخ بر رخدادها تحمیل می‌شود؛ زیرا مورخان در نگاه به گذشته خواسته یا ناخواسته انبوهی از پیش‌فرض‌ها، ارزش‌ها، نظریه‌ها و ملاحظات سیاسی، اجتماعی، مذهبی، ملی و فرهنگی را مبنای عمل قرار می‌دهند. (ملائی توانی، ۱۳۹۲: ۲۸) بنابراین برای فهم تاریخ باید دیدگاه‌های او را شناخت.

تاریخ و نگارش به‌سان دو بال پرنده، باهم تکامل می‌یابند. تاریخ‌نگاری روشی برای درک صحیح تاریخ است (نورائی، ۱۳۸۷: ۱۸) و تاریخ‌نگاران در پی نشان دادن «سیر تحول و تطور مفهوم تاریخ» بر مبنای اندیشه و برداشت خود هستند. (روزنتال، ۱۳۶۵: ۱۳)

تاریخ‌نگاری یک روش تفکر و نوعی رفتار علمی است که به کمک آن مورخ به گزارش رخدادها، تاریخی در قالب روایت‌های مکتوب تاریخی اقدام می‌کند که به بازآفرینی رویدادها در چهارچوب گفتمانی مشخص و بر پایه روش‌ها و نگرش‌های متفاوت می‌انجامد. (ملائی توانی، ۱۳۹۰: ۸۹) به بیان دیگر، تاریخ‌نگاری «حاصل رویارویی آگاهانه ذهن و فکر مورخ با واقعه تاریخی است نه انعکاس عینی واقعی». (آقاجری، زرگری‌نژاد و حسنی، ۱۳۸۰: ۳۸) بنابراین بررسی تاریخ‌نگاری امری مهم و پیچیده است؛ چراکه در پس هر نوع تاریخ‌نگاری، اندیشه‌ای برخاسته از نیازها و گفتمان‌های نسل حاضر جوامع بشری نهفته است و روایت‌های متفاوت تاریخ‌نگاران از تاریخ، ناشی از موقعیت‌ها و ضرورت‌های زمانی و مکانی است. تاریخ‌نگاری به اعتبار رابطه‌ای که همواره میان سیاست و تاریخ - به‌ویژه تاریخ معاصر - وجود دارد، پس از انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفت و از لحاظ کمی و کیفی وسعت یافت. مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی «گشوده شدن تاریخ عصر پهلوی» به‌ویژه عرصه‌های ممنوعه آن دوره به روی تاریخ‌نگاران، «اهمیت یافتن موضوعات مرتبط با انقلاب اسلامی» و «گسترده‌گی و تنوع منابع مورخان» می‌باشد.

در دوره پهلوی ابواب بسیاری از مباحث تاریخ معاصر ایران به روی پژوهشگران بسته بود و تحقیقات تاریخی پیرامون آنها مجاز نبود. از جمله مهم‌ترین این مباحث، نحوه انتقال سلطنت از خاندان قاجار به

پهلوی، واقعیت‌های نهضت ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد و نقش دولت‌های امریکا و انگلیس، روابط سیاسی و اقتصادی ایران با غرب، شکل‌گیری نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام و حوادثی نظیر واقعه پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ و هفدهم شهریور ۱۳۵۷ است.

انقلاب اسلامی منشأ تحقق وقایعی در ایران گردید که آن وقایع نیز در فهرست مطالعات تاریخی جای گرفتند. در رأس عناوین این فهرست، بررسی انقلاب اسلامی، بیان مقدمات، علل، اسباب دور و نزدیک آن است. در این زمینه تاریخ‌نگاران با دیدگاه‌های مختلف در داخل و خارج کشور کتاب‌های تاریخی گوناگونی تألیف کرده‌اند. دفاع مقدس، نقش و فعالیت‌های احزاب و گروه‌های سیاسی اسلامی و غیراسلامی در سال‌های پس از انقلاب، روحانیت و حوزه‌های علمیه، رجال عصر پهلوی و جمهوری اسلامی از دیگر موضوعاتی هستند که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

نوشتن در مورد حوادث و رخداد‌های تاریخی توقف‌ناپذیر است. یک موضوع واحد بنا به شرایط زمانی، تغییر گفتمانی عصر حاضر، نیازهای نسل جدید، کشف منابع جدید و ضرورت نگاه انتقادی به آثار پیشینیان، به صورت مستمر در چنته تاریخ‌نگاری واقع می‌شود. انقلاب اسلامی ایران نیز از حوادثی است که با گذشت حدود چهار دهه از وقوع آن همچنان مورد مطالعه مورخان است. به عبارتی «سیر تاریخ‌نگاری درباره انقلاب اسلامی از ابتدا تاکنون و از حال به آینده در جریان است». (بهبودی، ۱۳۸۳: ۸) اما ساده‌انگارانه خواهد بود اگر ابتدای این سیر تاریخ‌نگاری را پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ دانست. قبل از آن آثار و متون تاریخی نیز وجود دارد که اوضاع اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران، عوامل و شرایط زمینه‌ساز انقلاب در آنها قابل ملاحظه است. به عنوان نمونه می‌توان به کتاب *نهضت دوماهه روحانیت* آیت‌الله شیخ علی دوانی اشاره داشت که در سال ۱۳۴۱ با موضوع مخالفت علما و روحانیون با تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی نگاشته شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط حکومت پهلوی آنچه در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی منشأ اثر گشت، روایت‌گری ناظران خارجی براساس مشاهدات یا تحلیل‌های سیاسی - اجتماعی است. آثاری مانند *غرور و سقوط آنتونی پارسونز، مأموریت در ایران* ویلیام سولیوان، *درون انقلاب* جان دی. استمپل، *اسرار سقوط شاه زیگنیو برژنسکی، همه سقوط می‌کنند* گری سیک، *ایران، انقلاب به نام خدا* کلر بریز و *پیر بلانشه*. در همین دوره منابع دیگری نیز به نگارش درآمدند: *دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران* فرد هالیدی، *ریشه‌های انقلاب نیکی*. آر. کدی که مبنای آنها تحلیل گزارش‌های تاریخی با عطف به تاریخ عصر پهلوی بود. (بهبودی، ۱۳۸۳: ۷)

برخی از مقامات حکومت پهلوی نیز ضلع دیگری از تاریخ‌نگاری این دوره را ترسیم کردند. از آنجایی که

آنها در رژیم پیشین عهده‌دار مناصب و مسئولیت‌های مهمی بودند، بسیاری از زوایای پنهان و تاریک حکومت پهلوی را آشکار نمودند. پاسخ به تاریخ محمدرضا پهلوی، سقوط شاه فریدون هویدا، اعترافات ژنرال عباس قره‌باغی، من و برادرم اشرف پهلوی و خدمتگزار تخت طاووس پرویز راجی از این شمارند.

در داخل ایران نیز سال‌های نخستین پس از انقلاب، اولویت با آثار ترجمه‌ای بود. کتاب‌هایی که غالباً امریکایی‌ها و مقامات حکومت پهلوی در مورد انقلاب، روابط خارجی شاه، نفوذ امریکا در ایران و عوامل زمینه‌ساز انقلاب نگاشته بودند، ترجمه و منتشر شد.

در اوایل انقلاب تاریخ‌نگاران ایرانی نیز دست به قلم شدند. آیت‌الله دوانی با جمع‌آوری منابع تاریخی، اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها، کتاب ۱۰ جلدی نهضت روحانیون ایران را در سال ۱۳۵۸ منتشر کرد که از آثار قابل توجه در زمینه تاریخ انقلاب اسلامی است. کتاب انقلاب اسلامی و مردم مشهد از آغاز تا استقرار جمهوری اسلامی اثر رمضان‌علی شاکری در سال ۱۳۵۹، کتاب بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی اثر سید حمید روحانی در سال ۱۳۶۰ نمونه‌ای از تلاش‌های مورخان داخلی برای بررسی و تحلیل انقلاب اسلامی است. اما فضای سیاسی آشفته داخلی و آغاز جنگ تحمیلی چندان به رونق تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی نینجامید. در اوایل دهه شصت، با پیروزی اسلام‌گرایان بر سایر جریان‌های انقلابی و حذف آنها از عرصه قدرت کشور، تحلیل و تفسیرها از انقلاب رنگ‌وبویی دیگر یافت و قرائت‌های متفاوتی از انقلاب اسلامی ارائه شد. (مهدوی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۶) از آن جمله می‌توان به انقلاب ایران در دو حرکت و بازیابی ارزش‌ها آثار مهدی بازگان، برخورد با نهضت و پاسخ ما از نهضت آزادی، انقلاب ایران و مجاهدین خلق اثر کاظم رجوی، حزب توده ایران و مسائل میهنی انقلاب ما نورالدین کیانوری، انقلاب و ضدانقلاب جلال‌الدین فارسی، انقلاب یا بعثت جدید اکبر هاشمی رفسنجانی و بررسی مستندی از موضع گروه‌ها در قبال انقلاب اسلامی از دفتر اجتماعی وزارت ارشاد اسلامی اشاره کرد.

سال‌های دفاع مقدس ضمن انتشار ترجمه بسیاری از کتاب‌های خارجی که پیرامون انقلاب اسلامی نگاشته شده بودند، تاریخ‌نگاری داخلی به سمت‌وسوی جنگ و سیاست خارجی جمهوری اسلامی کشانده شد. از کتاب‌هایی مانند جنگ با انقلاب، بررسی زمینه‌های تجاوز رژیم عراق علیه ایران، جنگ تحمیلی ارمغان شوم قدرت‌های شیطان، تاریخ سیاسی معاصر و گفتاری پیرامون سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و مسائل سیاسی روز اثر علی اکبر ولایتی، تاریخ روابط خارجی ایران از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی اثر عبدالرضا هوشنگ مهدوی و انقلاب و دفاع مقدس اکبر هاشمی رفسنجانی می‌توان یاد کرد. در اواسط همین دهه طرح انتشار اسناد مربوط به حکومت پهلوی با انتشار مجموعه ۶۸ جلدی اسناد لانه جاسوسی در سال‌های ۱۳۶۸ - ۱۳۶۴ کلید خورد.

با پایان جنگ تحمیلی، تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی وارد مرحله نوینی از حیات خود گردید. «تاریخ شفاهی» به‌عنوان روشی نو برای تهیه اسناد شفاهی به خدمت مورخان آمد و آنان را از کنج کتابخانه‌ها و همدمی با متون تاریخی، به میان مردم جامعه برد. از سوی دیگر، مجموعه‌ای از سازمان و مراکز تاریخ‌نگاری و تاریخ‌پژوهی در ایران شکل گرفت: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، مرکز نشر و تنظیم آثار امام خمینی علیه السلام، مرکز بررسی اسناد وزارت اطلاعات و مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

دهه هفتاد با انتشار کتاب‌های خاطرات خودنگاشت و نگارش آثاری پیرامون انقلاب اسلامی بر مبنای تاریخ شفاهی، تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی رشد روزافزونی نسبت به گذشته یافت. *زوایای تاریک* جلال‌الدین فارسی، «*خاطرات آیت‌الله خلیجی*» و «*دوران مبارزه*» اکبر هاشمی رفسنجانی، *تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران* غلامرضا کرباسچی، *خاطرات حجت الاسلام و المسلمین هادی غفاری، خاطرات و مبارزات حجة الاسلام فلسفی، خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، خاطرات ایرج اسکندری، خاطرات سیدمحمدکاظم موسوی بجنوردی، حماسه ۱۷ خرداد ۱۳۵۴ مدرسه فیضیه، حماسه شهید اندرزگو و خاطرات ۱۵ خرداد* از این مجموعه بی‌شمار آثار این دهه می‌باشند.

باید یادآور شد که آثاری که در این دهه بر مبنای تاریخ شفاهی شکل گرفتند هنوز چنین عنوانی نداشتند. در این دوره منابع تحقیقی - تحلیلی نیز به چشم می‌خورد: *مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی* صادق زیباکلام، *تاریخ سیاسی معاصر ایران* سیدجلال‌الدین مدنی، *تاریخ بیست و پنج ساله ایران* غلامرضا نجاتی، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن* عباسعلی عمید زنجانی و *ایران در عصر پهلوی* مصطفی الموتی.

در دو دهه اخیر مطالعات و تحقیقات سندپژوهی و تکیه بر منابع آرشیوی برجای‌مانده از حکومت پهلوی و تولید سند شفاهی در پرتو توجه به تاریخ‌شفاهی در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی اهمیت یافت. کتاب‌های بسیاری با اطلاعات خام تاریخی؛ خاطرات ضبط شده و مجموعه‌های اسنادی منتشر گردید. درحقیقت می‌توان این دوره را ورود تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی به عرصه علمی‌نگری و دانشگاهی دانست. ضرورت توجه به تاریخ انقلاب اسلامی، دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها را برآن داشت تا به تأسیس گرایش «تاریخ انقلاب اسلامی» در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری اقدام نمایند و در ضمن با راه‌اندازی نشریه‌های علمی - پژوهشی پیرامون انقلاب اسلامی از جمله «فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی»، «پژوهش‌های انقلاب اسلامی»، «پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی»، «رهیافت انقلاب اسلامی» به‌رونق تاریخ‌نگاری و تاریخ‌پژوهی آن بیندیشند.

امید است که سیر تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی در پی سال‌ها تجربه و اندوخته علمی، روند علمی و

جزئی‌نگری و پرهیز از کلیات را ادامه دهد و دریچه‌های جدیدی بر تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی از مستندسازی و فیلم‌نامه‌نویسی تاریخ انقلاب، رمان‌های انقلابی، تاریخ محلی انقلاب اسلامی و تکیه بر داستان‌های تاریخی انقلاب اسلامی برای انتقال مفاهیم، ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی به نسل‌های جدید مورد توجه قرار گیرد.

ضرورت‌ها و بایستگی‌ها در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی

تاریخ انقلاب اسلامی پویا است و بازتاب پویایی آن در سبک، روش و نگرش ملموس می‌باشد. با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی، ضرورت‌ها و بایستگی‌هایی در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی وجود دارد که لازمه تداوم پویایی آن است که مورخان و پژوهشگران باید به آنها توجه داشته باشند این ضرورت‌ها و بایستگی‌ها عبارتند از:

الف) توجه به ماهیت و چیستی انقلاب اسلامی

به تعبیر فلاسفه هر پدیده‌ای مرکب از دو چیز است: «ماهیت» (چیستی) و «وجود» (هستی). انقلاب نیز از این قانون مستثنا نبوده و دارای ماهیت و وجود است. وقایع و حوادث اجتماعی و تاریخی از نظر ماهیت با یکدیگر اختلاف دارند. همه نهضت‌های تاریخی را نمی‌توان، در ماهیت یکسان دانست. (مطهری، ۱۳۷۵ (الف): ۶۱)

انقلاب اسلامی ایران ماهیت و سرشتی متمایز از سایر انقلاب‌های جهان دارد. چنان‌که هنوز به‌درستی تعریف دقیق و جامعی از آن ارائه نشده است. شاید این امر به این دلیل باشد که بسیاری از تحلیل‌گران خارجی و حتی ایرانی در مطالعات انقلاب اسلامی از گفتمان‌های رسمی حاکم بر نظریه‌های انقلاب در فلسفه سیاسی غرب پیروی می‌کنند.

فلسفه سیاسی غرب در صورتی یک انقلاب را به رسمیت می‌شناسد که دو دینامیک را در آن مشاهده کند یکی دینامیک تضادهای درون این جامعه، یعنی دینامیک مبارزه طبقاتی یا دینامیک رویارویی‌های بزرگ اجتماعی و دیگری دینامیک سیاسی، یعنی حضور یک طبقه پیش‌گام، یعنی یک طبقه، حزب یا ایدئولوژی سیاسی و خلاصه نیروی پیشتازی که همه ملت را به‌دنبال خود می‌کشد. (فوکو، ۱۳۷۹: ۵۴)

برای تحلیل و شناخت ماهیت انقلاب ایران باید به مطالعه در زمینه افراد و گروه‌های مؤثر در انقلاب، ریشه‌ها، عوامل و هدف‌های آن، شعارها و آرمان‌های مردم انقلابی، نقش رهبری و تاکتیک‌های آن و بُعد

گسترده‌گی و فراگیر بودن انقلاب پرداخت. (مطهری، ۱۳۷۵ (ب): ۱۱۷) از سوی دیگر، تحلیل‌گران پیرو فلسفه سیاسی غرب در بررسی انقلاب اسلامی تحلیلی ایستا و نقطه‌ای دارند و به باور آنها لحظه پیروزی انقلاب، سقوط رژیم پیشین و ایجاد نظم سیاسی - اجتماعی جدید پایان انقلاب است و نقطه‌ای است که یک انقلاب به همه نیت، مقاصد و آرمان‌های خود رسیده است و دیگر امکان بازتولید فراتر از آن برایش وجود ندارد. حال آنکه در بررسی انقلاب اسلامی مرحله واژگونی حکومت پهلوی، نقطه‌ای نیست که این انقلاب به همه آرمان‌ها و مقاصد خود رسیده است، بلکه نقطه آغاز حیات انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن است. (نامدار ۱۳۸۷: ۴)

در مطالعات ایستا در نقطه پیروزی، تنها می‌توانیم وجوه متفاوت و متشابه انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها یا اینکه چه چیز از دست رفت و چه به دست آمد را تشخیص دهیم. اما هیچ‌گاه نمی‌توان ژرف‌اندیشی درباره آنچه آینده برای ایران، کشورهای اسلامی، سایر مردم جهان و نظام بین‌الملل به ارمغان می‌آورد، آشکار کرد. (نامدار، ۱۳۸۷: ۶ - ۴)

تاریخ‌نگارانی که با تکیه بر اندیشه سیاسی غرب به تبیین و تحلیل انقلاب اسلامی می‌پردازند، امکانی برای ارائه تحلیلی درست از این انقلاب را ندارند؛ زیرا بدون شناخت ماهیت و چیستی انقلاب اسلامی، نقش مردم و رهبری در آن، آرمان‌ها و اهداف انقلابی آنان و صرفاً تأکید بر عوامل اقتصادی و سیاسی منبعث از فلسفه سیاسی غرب گمراه‌کننده است.

ب) هدفمندی تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی

تاریخ انقلاب اسلامی را نمی‌توان با زنجیره‌ای از حوادث مستمر و پیوسته تبیین کرد. رویدادهایی که منجر به انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی گردیدند ناشی از اتفاق و تصادف نبود. آیا چنین انقلابی را می‌توان با عوامل جزئی، مقدمات اتفاقی، حدس و گمان مانند توطئه توجیه کرد؛ بی‌آنکه نارضایتی‌های عمومی، پریشانی اقتصاد، فساد دستگاه اداری، اراده جمعی مردم و گروه‌های سیاسی مخالف، تمایلات مذهبی مردم و نقش رهبری در این انقلاب را دید؟

انقلاب اسلامی دارای هدفی سرنوشت‌ساز است. برای بررسی ریشه‌ها، زمینه‌ها و اهداف آن باید به حرکت‌ها و جنبش‌های پیشین و معاصر ایران توجه داشت. هدف آن، مبارزه با «تفکر اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه‌داری، اسلام التقاط و در یک کلمه، اسلام امریکایی» و جایگزینی «اسلام ناب محمدی» بود. تنها همین وجود هدف‌دار است که به رویدادهای تاریخ انقلاب اسلامی معنا و مفهوم می‌دهد و آنها را تاریخی می‌کند. (همان: ۱۰)

امام خمینی علیه السلام در نامه‌ای به سیدحمید روحانی در مورخه ۲۵ دی ماه ۱۳۶۷ در مأموریت ایشان و سایر مورخان انقلاب اسلامی به برخی از اهداف تاریخ‌نگاری این حوزه اشاره می‌نمایند:

ثبت واقعیت‌های تاریخ انقلاب اسلامی بدون نگاه جانب‌دارانه و پیش‌داوری، آگاهی بخشی به نسل‌هایی که آن را درک نکرده‌اند، تبیین هدف انقلاب اسلامی، مستندسازی واقعه انقلاب اسلامی با منابع مختلف، توجه به حضور توده‌های مردم در انقلاب، توجه به مبانی فکری و ارزش‌های اسلامی انقلاب و تأکید بر نقش علما و روحانیون در انقلاب اسلامی. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۱ / ۲۳۹ - ۲۳۸)

بنابراین شناخت مبانی، آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی برای مورخ ضروری است، تا آنچه می‌نگارد تاریخی ذهنی و غیرواقعی نباشد.

ج) تاریخ‌نگاری‌ها و ضرورت توجه به نقد در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی

علم تاریخ کوششی هدفمند و روشمند جهت تحلیل حیات اجتماعی بشر به قصد فهم اکنون به یاری گذشته است. درک و فهم واقعه تاریخی بدون شناخت اندیشه و تاریخ‌نگاری مورخ که در پس رویداد تاریخی نهفته است، درکی ناقص است. شناخت نوع نگرش مورخ به واقعه تاریخی، سبب کشف بسیاری از زوایای تاریک یک حادثه تاریخی می‌شود.

تاریخ‌نگاری، نوع نگرش مورخ به تاریخ و در نتیجه فهم و برداشت او از واقعه، بدین معناست که آیا مورخ در تحلیل و تبیین حوادث تاریخی از منظر تحلیل یا فهم چپستی‌ها، چرایی‌ها، نقد و ارزیابی به تاریخ می‌نگرد؟ یا نگرشش، توصیفی و روایت‌گری گذشته است؟ آیا او در درک گذشته جامعه و مردم به عبارتی فرودستان را نگریسته و یا اینکه از منظر سیاست و فرادستان به تاریخ نظر کرده است و تنها در پی ثبت و ضبط رویدادهای سیاسی و نظامی بوده است؟ یا اینکه مورخ در قالب یک نظریه، مکتب و ایدئولوژی به تاریخ نگریسته و درصدد است که در فهم تاریخ به نتایج مطلوب آنان برسد؟ از دیگر مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری مورخ نوع نگرش او به چپستی تاریخ است. آیا مورخ معتقد به علمیت تاریخ و روشمندی آن است؟ آیا در روش تاریخ‌نگاری خود عقل‌گرایانه، به تحلیل یا نقل‌گرایانه به توصیف گذشته می‌پردازد؟ نسبت تاریخ‌نگاری او با عدالت، حقیقت‌جویی و بی‌طرفی تاریخی چگونه است؟ (بنگرید به: شرفی، ۱۳۸۸: ۸۹ - ۸۷)

اگرچه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دو مقوله جدا از یکدیگرند، ولی بی‌ارتباط باهم نیستند. زیرا نوشتن تاریخ بدون داشتن نگرش و منظرگاه تاریخی ممکن نیست، بدین دلیل آثاری که بر وقایع‌نویسی تأکید

داشته‌اند و از تحلیل حوادث دوری جسته‌اند، خوانندگان چندانی نداشته‌اند. (روحانی، ۱۳۷۱: ۱۴۰)

تاریخ معاصر ایران به‌ویژه انقلاب اسلامی، سرشار از پیچیدگی‌ها و فراز و فرودهایی است که بازنمایی آن به پژوهش‌های فراوانی نیازمند است. ساده‌انگارانه خواهد بود که رویداد مهمی چون انقلاب اسلامی را در چند کتاب یا مجموعه خاطرات و اسناد خلاصه کرد و یا با برداشتی یک‌جانبه آن رویداد را تحلیل کرد. به همان میزان که واقعه انقلاب اسلامی به دلیل شرایط، بستر زمانی، اهمیت استراتژیک و باورهای ایدئولوژیک و تعارض با نظام جهانی بسیار پیچیده است، تاریخ‌نگاری آن نیز متأثر از تاریخ‌نگری‌های متفاوت و براساس منافع جریان‌های سیاسی و فکری مختلف با ابهام، پیچیدگی و یک‌سونگری آمیخته است.

مورخان با نگرش‌های مختلف و با گرایش‌های سیاسی و فکری متعدد در راستای اهداف سیاسی خود به نگارش تاریخ انقلاب اسلامی مبادرت کرده‌اند. شناخت این دیدگاه‌ها از آن‌رو اهمیت دارد که خود مبنای نگارش، تألیف و تدوین مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی است. (نورائی و ابوالحسنی ترقی، ۱۳۹۴: ۱۷۴) بررسی تاریخ انقلاب اسلامی در آینه این آثار به‌منظور بازخوانی روند تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، نقد و ارزیابی آن و جستجوی افق‌های نو در این عرصه برای بهینه‌شدن اقدامات و بهره‌گیری مناسب از همه توان‌های جریان‌های مختلف در این راه بزرگ امری ضروری به نظر می‌رسد. چنان‌که توکلی می‌نویسد:

این درست که بزرگان تاریخ‌نگاری و اساتید علم تاریخ تأکید می‌کنند که مورخ باید بی‌طرف باشد و این امر یک ضرورت در امر تاریخ‌نگاری است، اما همیشه هم طرفیت مورخ به آن معنا نیست که بیان خلاف واقعی صورت گیرد. (توکلی، ۱۳۸۷: ۹۳)

بنابراین در حوزه تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی می‌توان به وجود جریان‌های متعدد تاریخ‌نگاری اذعان داشت که در آن مورخ براساس آرمان‌ها، ایده‌ها و اصول یک مکتب فکری یا شیوه و قالب موردنظر یک جریان سیاسی - فکری به نگارش تاریخ اقدام می‌کند. این نوع تاریخ‌نگاری را که ناشی از وابستگی مورخ به یک جریان فکری - سیاسی است را «تاریخ‌نگاری جریان‌ی» می‌نامند. (شکوری، ۱۳۷۱: ۵۸) البته برخی به این نوع تاریخ‌نگاری ایراد وارد کرده‌اند. برخی از تاریخ‌نگاران برخاسته از یک جریان سیاسی خاص ممکن است در راستای توجیه‌گری سیاست‌های جریان خود، از جعل و تحریف تاریخ هیچ ابایی نداشته باشند.

جریان‌شناسی و نگرش‌شناسی تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی توسط نویسندگان و پژوهشگران متعددی انجام شده است. مهدوی‌مقدم براساس گرایش‌های فکری، تاریخ‌نگاران این حوزه را در شش گروه دین‌گرایان، ایران‌گرایان، چپ‌گرایان، تجددگرایان، علم‌گرایان و موافقان حکومت پهلوی جای داده است.

(مهدوی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۶) یعقوب توکلی نیز یازده نگرش را در قالب پنج گروه تاریخ‌نگاری شناسایی کرده است:

- الف) موافقان پهلوی (پهلوی‌ها، امریکایی‌ها، خادمان جدانشده و تجاری‌نویسان).
- ب) مخالفان پهلوی (اسلام‌گرایان، چپ‌گرایان و ملی‌گرایان).
- ج) تاریخ‌نگاری دانشگاهی (خارج از ایران و داخل ایران).
- د) نویسندگان حامی انقلاب اسلامی در خارج.
- ه) روشنفکری. (توکلی، ۱۳۸۷: ۹۷ - ۹۴)

در این نگرش‌شناسی اخیر، تاریخ‌نگاران صرفاً با دو دیدگاه مخالف یا موافق طبقه‌بندی نشده‌اند، بلکه نگرش‌های علمی، بی‌طرف و دانشگاهی در حوزه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌پژوهی انقلاب اسلامی نیز گنجانده شده است. چنان‌که بهشتی‌سرشت نیز با این دیدگاه همراه است که طیف‌ها و نسل‌های جدید که هیچ‌گونه وابستگی به جناح غالب یا مغلوب در انقلاب ندارند و یا در زمان انقلاب نبوده‌اند، انتظار تاریخ‌نگاری منصفانه‌تری از آنان است. (گلشن روغنی، ۱۳۸۵: ۱۷) این بدان معناست که در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی نباید صرفاً نگاه جریان‌ی داشت. مورخان در این عرصه وجود دارند که بدون هیچ‌گونه وابستگی جریان‌ی و صرفاً با انگیزه‌های شخصی و علمی خود دست به تاریخ‌نگاری زده‌اند.

تاریخ‌نگاری‌های جریان‌ی آسیب‌جدی برای تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی است. تاریخ‌نگاران جریان‌ی با برجسته نمودن برخی از وقایع و اشخاص درصدد برتری‌ی، قداست‌بخشی، حماسه‌سازی و بعضاً تطهیر و تبرئه جریان وابسته به آن هستند و در مقابل می‌کوشند با معرفی جریان سیاسی خود به‌عنوان پیشگامان مبارزه از ارزش‌های فراطبقاتی و فراگیر پدیده انقلاب بکاهند. بنابراین در پی جریان‌شناسی و نگرش‌شناسی در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، ضرورت نقد آثار جریان‌ی ملموس است؛ چراکه با شناخت خصوصیات فردی، پایگاه اجتماعی و طبقاتی و گرایش‌های فکری و سیاسی مورخان می‌توان پرده از مصلحت‌گرایی، اعمال حب و بغض‌های شخصی یا جریان‌ی، یک‌سو‌نگری‌ها، منفعت‌جویی‌های فردی و جمعی آنها برداشت و با کاربست منابع متقن و مطالعات مقایسه‌ای به مقابله با هجمه‌های فکری و تحریفی آنان برخاست.

د) سندپژوهی

یکی از موضوعاتی که اعتبار و ارزش آثار تاریخی وابسته به آن است، استفاده از منابع تاریخی معتبر، اصیل و دقیق است. نکته‌ای که تمام مورخان به آن توجه داشته و دارند. هریک به فراخور دانش، آگاهی،

امکانات و نیز شرایط سیاسی حاکم بر جامعه، تعدادی از آنها (منابع تاریخی) را مورد استفاده قرار داده‌اند. تفاوت در منابع گاه سبب شده است که مورخان «از یک موضوع واحد قرائت‌های متفاوتی به دست دهند». (جنکینز، ۱۳۸۷: ۶۸) گاه قرائت‌های ناهمگون حاصل «تزلزل در معرفت‌شناختی تاریخی» است. زیرا در اثر گستره زمانی گذشته، پراکندگی و تنوع منابع و عدم امکان دسترسی مورخ به تمام آنها، نیل به یک شناخت قطعی و مشترک برای همیشه مقدور نیست. (همان: ۷۷)

با گذشت زمان دایره منابع تاریخی مورخان گسترده شده است. تاریخ‌نگاران حوزه تاریخ معاصر و انقلاب اسلامی، دیگر نه تنها بر متون تاریخی گذشتگان، بلکه بر انبوهی از منابع دست اول و پژوهشی از قبیل کتب تاریخی (تاریخ‌های عمومی، محلی و سلسله‌ای)، رساله‌ها، کتب رجال، سفرنامه‌ها، زندگی‌نامه‌ها، خاطرات، اعلانات، اسناد تاریخی، مطبوعات، آرشیوهای دولتی و خصوصی، منابع غیرمکتوب (سکه‌ها، عکس و اسلاید، صوت، فیلم و منابع دیجیتال و رایانه‌ای)، تحقیقات و پژوهش‌های تاریخی دسترسی دارند. (میرجعفری و عاشوری‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۲۲؛ نورائی، ۱۳۸۷: ۹۶)

منابع اولیه متونی هستند که در دایره مکانی و زمانی نزدیک به وقوع حادثه ایجاد شده‌اند. (همان: ۹۵) یکی از این منابع که به آن کمتر توجه شده، «اسناد تاریخی» است. اگرچه در ابتدا بی‌توجهی به جمع‌آوری اسناد موجب از بین رفتن بسیاری از اسناد مربوط به تاریخ ایران شده است؛ با این وجود هرچه به زمان حال نزدیک‌تر می‌شویم بر شمار اسناد تاریخی افزوده می‌شود. اسناد تاریخی به سبب اصالت و اعتبار وجودی آنها از منابع مهم تاریخ‌نگاری محسوب می‌شوند. زیرا از یک سو به منظور تاریخ‌نگاری ایجاد نشده‌اند و از سوی دیگر، محتوای هر برگ سند با واقعه‌ای حقیقی بستگی دارد و حاصل طبیعی بین اثر و مؤثر است. اسناد تاریخی با کتب تاریخی موضوع‌گرا متفاوت‌اند و دستخوش تغییر و اصلاح نبوده‌اند. آنها منشأگرا و بر پایه یقین و اصالت استوارند. (میرجعفری و نورائی، ۱۳۸۸: ۵۳) سند از دو منظر چنین تعریف می‌شود:

سند از نظر لغوی؛ نوشته‌ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد که به دو گونه است: سند رسمی و عادی که به ترتیب در مراجع ذیصلاح و غیر ذیصلاح تنظیم شده باشند. (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه سند)

سند از نظر اصطلاحی؛ سندی که مراحل جاری و نیمه جاری و راکد را طی کرده و قابلیت نگهداری دائم را در آرشیو ملی دارد. مورخان و سندپژوهان برای انجام پژوهش‌های تاریخی به این اسناد رجوع می‌نمایند. اسناد تاریخی براساس محتوا به سلطانیات، (فرمان‌های شاهان و شاهزادگان) دیوانیات، (اسناد تولید شده در نظام اداری و دیوان‌سالاری) اخوانیات، (نامه‌های شخصی رجال تاریخی) اسناد مالی و قضائی،

(وقف‌نامه‌ها، مقاله‌ها، نذرنامه‌ها، حبس‌نامه‌ها و وصیت‌نامه‌ها) طبقه‌بندی می‌شوند.
(قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۴۳ - ۴۱)

در پژوهش‌های تاریخی پیرامون انقلاب اسلامی، اسناد تاریخی جایگاه ویژه‌ای را در مقایسه با سایر منابع دارند. اسناد برای درک تاریخ و شناخت تحولات سیاسی، اجتماعی، اداری، فرهنگی و نظامی عصر پهلوی و انقلاب اسلامی از بهترین منابع متقن و مطمئن هستند. زیرا حاصل فعالیت‌های اداری و روزمره جامعه بوده‌اند و برای حفظ تعاملات اجتماعی مردم و حکومت تنظیم شده‌اند. (میرجعفری و نورائی، ۱۳۸۸: ۵۵) زرین کوب در اهمیت آنها چنین آورده است:

چون غالباً کاشف از اغراض و مقاصدی است که در پشت الفاظ خاص آنها هست و مخصوصاً بدان سبب که مستند واقعیات جاری یا جلوه‌گاه آنها بوده است، بیشتر از روایات وقایع‌نگاران جنبه عینی دارد. (زرین کوب، ۱۳۷۰: ۱۴۷)

وی اسناد را مصالحی برای تجدید بنای گذشته عنوان می‌کند. باین وجود توصیه می‌کند که مورخان در استفاده از آنها محتاط باشند و از اصالت آنها یقین حاصل نمایند که غفلت از آن مورخ را از این منابع ارزشمند محروم می‌سازد. (همان: ۱۴۸ و ۱۴۹)

اسناد انقلاب اسلامی به دلیل نزدیکی به زمان وقوع حادثه اطلاعات و کاربردهای تاریخی زیادی دارند که به برخی از آنها اشاره می‌شود: ارائه اطلاعات درباره یک موضوع، جریان یا یک شخص، امکان مقابله سایر منابع تاریخ‌نگاری مانند خاطرات و تاریخ شفاهی با اسناد مربوطه، آگاهی از شیوه تهیه و نگارش اسناد مالی و قضائی در گذشته، آگاهی به وضعیت اقتصادی دولت و طبقات مختلف جامعه، چگونگی روابط و تعامل کارکنان و مأموران دولتی با مردم، بررسی فعالیت‌های انقلابی مبارزان و برخورد حکومت با آنها، کشف فرآیند تحولات فکری و سیاسی مردم.

در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی اسناد تاریخی به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

الف) اسناد تولیدشده توسط انقلابیون: به آثار و نوشته‌هایی که توسط مبارزان و انقلابیون برای اطلاع‌رسانی و ترویج آموزه‌های انقلابی تهیه و منتشر می‌شده‌اند، اطلاق می‌گردد. این‌گونه اسناد را می‌توان به منابع غیرمکتوب مانند پیام‌های صوتی و نوارهای سخنرانی، فیلم، تصاویر و هرگونه اثر حاصل از فعالیت‌های انقلابی سرایت داد. (نیک‌بخت، ۱۳۸۵: ۱۰۲)

ب) اسناد دولتی: نهادهای دولتی و امنیتی (ارتش، ساواک و شهربانی) حکومت پهلوی هریک برحسب وظیفه سازمانی خود در ساختار دیوان‌سالاری کشور مجموعه‌ای از نامه‌ها، فرمان‌ها، بخش‌نامه‌ها،

اطلاع‌رسانی‌ها و گزارش‌های میدانی از سطح جامعه، گروه‌ها، شخصیت‌های سیاسی و انقلابی کشور صادر و بایگانی کرده بودند. (همان)

اسناد تاریخی مربوط به حکومت پهلوی و انقلاب اسلامی در نهادهای مختلفی - که گروه مهتاب (مجمع هماهنگی مراکز تاریخ‌پژوهی و بانک‌های اسنادی ایران) را تشکیل می‌دهند - چون سازمان اسناد و کتابخانه ملی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، گروه تاریخ شفاهی مؤسسه حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه، سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، موزه دفاع مقدس، آرشیو صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، اداره اسناد و بایگانی قوه قضائیه، مرکز اسناد و اطلاع‌رسانی سازمان موزه انقلاب اسلامی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، حوزه هنری، موزه عبرت ایران، مرکز اسناد آستان قدس رضوی، دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران نگهداری می‌شود. (رجبی و تبریزی، ۱۳۸۷: ۳۸ - ۳۴)

دهه‌های شصت و هفتاد شمسی شاهد انتشار کتاب‌های ظاهراً تاریخی حجیم و گسترده‌ای در مورد حکومت پهلوی و انقلاب اسلامی بود که به اسناد و مستندسازی متون هیچ توجهی نشده بود. (توکلی، ۱۳۸۸: ۱۹۵) این امر نه تنها کمکی به روند تبیین زوایای تاریخ انقلاب اسلامی نکرد، بلکه ابهامات و سؤالات متعددی را به دنبال داشت. بنابراین ضروری است که در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی برای تبیین این حادثه بزرگ و بی‌نظیر قرن بیستم و بیان واقعیت آن از مقابله و کاربست اسناد، امتناعی نشود. اگرچه بخشی از این اسناد به صورت خام در مجموعه‌های مختلف موضوع محور یا شخص محور توسط سازمان‌های اسنادی منتشر شده‌اند، لازم است پژوهشگران ضمن بررسی کارشناسانه، تعیین اصالت و اعتبار سند و توجه به آسیب‌های احتمالی آنها - نداشتن مشخصه‌های یک نامه اداری مانند تاریخ و شماره، جعل، اسناد متناقض در یک موضوع و گزارش نادرست - با بهره‌برداری از اسناد، قرائت صحیحی از گذشته به دست دهند. اسناد تاریخی چون روحی سرگردان در بررسی‌های تاریخی است که اگر بر کالبد آنها نشینند اعتماد و اعتبار را برای پژوهش‌های تاریخی به ارمغان می‌آورند.

(ه) تاریخ شفاهی؛ حضور توده‌های مردم در صحنه تاریخ انقلاب اسلامی

تاریخ شفاهی، استفاده از مصاحبه فعال، هدفمند و آگاهانه برای ضبط و ثبت یادمانده‌های افراد شاهد یا عامل در رویدادهای تاریخی و تجارب شخصی آنها در عرصه‌های مختلف جامعه انسانی با هدف

گردآوری داده تاریخی و تولید سند شفاهی است. (ابوالحسنی ترقی، ۱۳۹۰: ۳۳) این روش پس از جنگ جهانی دوم با اختراع ضبط صوت مورد توجه تاریخ‌نگاران قرار گرفت و مورخان در روایت از گذشته به سند شفاهی (مصاحبه) روی آوردند. تاریخ شفاهی در واقع ایجاد فرصت مناسب برای آن دسته از مردم و طبقات اجتماعی بود که در گذشته و زمان وقوع رویداد به دلایل فقدان آموزش لازم و نبود فرصت، امکان ثبت حادثه را نداشتند. (نورائی، ۱۳۸۲: ۶۷) به عبارتی، فلسفه وجودی تاریخ شفاهی «یافتن و بازسازی احساسات، هیجان‌ها و قیل و قال‌های حول و حوش واقعه و جریان‌های اجتماعی است که در هیچ سند رسمی نمی‌توان از آنها اثری یافت». (همان: ۶۸) بنابراین ضرورت توجه به تاریخ اجتماعی و نقش لایه‌های مختلف و طبقات فرودست جامعه در رخدادهای تاریخی، مورخان را بر آن داشت که با تاریخ شفاهی، زمینه مشارکت توده‌های مردم را در بازسازی تاریخ فراهم آورند.

پس از انقلاب اسلامی، تاریخ شفاهی برای ضبط و ثبت خاطرات شخصیت‌ها و رجال سیاسی، نظامی و فرهنگی در تبیین ابعاد مهم و ناگفته‌ها از تاریخ عصر پهلوی و وقوع انقلاب اسلامی به کار گرفته شد تا منابع مهم و ارزشمندی برای تاریخ‌نگاران انقلاب اسلامی تولید شود. چنان‌که حبیب لاجوردی، مدیر پروژه تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد، در مقدمه کتاب *خاطرات جعفر شریف امامی* بر این نکته تأکید دارد. (شریف امامی، ۱۳۸۰: ۵) تاریخ شفاهی در محافل علمی و تاریخ‌پژوهی خارج از کشور زودتر مورد توجه قرار گرفت. تأسیس مراکز و مؤسسات تاریخ‌پژوه، سهولت دسترسی به رجال خارج‌نشین عصر پهلوی، حمایت‌های مالی خاندان پهلوی و کمک‌های فنی دانشگاه‌های غربی، این فرصت را برای آنان فراهم کرد که در تولید اسناد شفاهی در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی پیش قدم باشند.

مراکز تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد، تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران، تاریخ شفاهی یهود، تاریخ شفاهی دانشکده علوم اجتماعی هلند، تاریخ شفاهی مستشاران امریکایی در ایران، تاریخ شفاهی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی اروپا و امریکا و طرح تاریخ شفاهی چپ ایران از این شمارند. (رجبی و تبریزی، ۱۳۸۷: ۴۰)

در داخل ایران تجربه دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جمع‌آوری خاطرات رزمندگان در دوران جنگ تحمیلی آغازگر این روش و تولید اسناد شفاهی (مصاحبه) در تاریخ‌نگاری دفاع مقدس بود. (کاظمی، ۱۳۸۳: ۹۰) در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی منویات امام خمینی علیه السلام در تدوین و توجه به توده‌های مردم در تاریخ راهنما بود. ایشان خطاب به سیدحمید روحانی می‌نویسند:

اگر شما می‌توانستید تاریخ را مستند به صدا و فیلم حاوی مطالب گوناگون انقلاب از زبان توده‌های مردم رنج‌دیده کنید، کاری خوب و شایسته در تاریخ ایران نموده‌اید. باید

پایه‌های تاریخ انقلاب اسلامی ما چون خود انقلاب بر دوش پابرهنگان مغضوب قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۱ / ۲۳۹)

علاوه بر آنها، شکست جو خودداری از بیان خاطرات نزد مبارزان انقلابی، ایجاد رقابت بین مراکز تاریخ‌پژوه و استقبال خوانندگان از این نوع قرائت تاریخی موجب انگیزه و گرایش مورخان و تاریخ‌پژوهان انقلاب اسلامی به تاریخ شفاهی گردید. (بهبودی، ۱۳۸۳: ۱۳) بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، مرکز اسناد آستان قدس رضوی و تاریخ شفاهی دفاع مقدس از مراکزی هستند که به تهیه اسناد شفاهی اهتمام دارند. (نورائی و ابوالحسنی ترقی، ۱۳۹۴: ۲۵۸ - ۱۹۵)

با توجه به ماهیت مردمی انقلاب اسلامی و حضور توده‌های مختلف شهری و روستایی در آن، ضروری است که تاریخ‌نگاران انقلاب اسلامی به این روش پویا و هدفمند در گردآوری داده‌های تاریخی و اسناد شفاهی توجه و اهتمام داشته باشند.

و) توجه به آسیب‌های تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی از رویدادهای مهم و پیچیده تاریخ معاصر جهان است که ویژگی‌های متمایز فرهنگی، سیاسی، فکری و اجتماعی از سایر پدیده‌های مشابه خود دارد. پیرو آن تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی نیز پیچیدگی‌ها و درعین‌حال آسیب‌هایی را به‌دنبال دارد. عدم توجه به رفع این آسیب‌ها مانع از دستیابی به تاریخ‌نگاری جامع و تحلیلی از انقلاب اسلامی خواهد بود. در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

۱. تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک و بی‌توجهی به تاریخ‌نگاری علمی

جریان‌های مختلف در تاریخ‌نگاری بسته به خاستگاه و جهان‌بینی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود، تاریخ و تاریخ‌نگاری را در قالب باورهای سیاسی و ایدئولوژیک خود قرار می‌دهند و همگی مدعی علمی و واقعی بودن دارند. «ایدئولوژی‌ها نظرات خود در مورد تاریخ را به مثابه حقیقت تام جلوه می‌دهند» (صدقی و نریمانی، ۱۳۹۰: ۲۰) و با نگاه پیش‌داورانه به نگارش تاریخ اقدام می‌نمایند و «تاریخ را آن‌گونه که مایلند و یا بدان‌گونه که دستور گرفته‌اند می‌نویسند، نه آن‌گونه که اتفاق افتاده است. از اول می‌دانند که کتابشان بنا است به چه نتیجه‌ای برسد و در آخر به همان نتیجه هم می‌رسند». (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۱ / ۲۳۹ - ۲۳۸) هر اندازه که تاریخ‌نگاری مبتنی بر مستندات و شواهد تاریخی، روشمند، حقیقت‌جو، نظام‌یافته، منسجم و برپایه تسلسل تاریخی، روابط علی و معلولی، قابل استدلال باشد و از هرگونه مواضع ایدئولوژیک، پیش‌داوری و جزم‌اندیشی دور باشد از تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک فاصله گرفته و به تاریخ‌نگاری علمی نزدیک‌تر خواهد شد.

۲. ضرورت مطالعات بین‌رشته‌ای و پرهیز از تک‌بعدی‌نگری

پدیده انقلاب با بسیاری از حوزه‌های دانش بشری مرتبط است که هیچ‌یک از آنها به تنهایی، ظرفیت و کفایت لازم برای شناخت و تحلیل آن را ندارد. بنابراین ضروری است پدیده انقلاب اسلامی با تکیه بر مطالعات بین‌رشته‌ای بررسی شود. از سوی دیگر، در اثر انقلاب اسلامی ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و فکری جامعه ایران دچار تغییر و تحول گردید. بنابراین باید در تحلیل و تبیین انقلاب اسلامی به ابعاد و زمینه‌های مختلف آن توجه شود و از نگاه سیاسی صرف به آن پرهیز شود.

۳. کمبود منابع در برخی از حوادث پس از انقلاب اسلامی

با توجه به آنچه درباره پویایی و توقف‌ناپذیری تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی بیان گردید، در بسیاری از حوادث پس از انقلاب مانند کودتای نوژه و اشغال سفارت امریکا کمبود جدی منابع احساس می‌شود.

۴. عدم هماهنگی مراکز اسنادی و تاریخ پژوه

در حوزه انقلاب اسلامی نهادها و مراکز پژوهشی مختلفی فعالیت دارند. باید اذعان داشت که بخش زیادی از فعالیت آنها هم‌پوشانی دارد. پیشنهاد می‌شود که با تشکیل مجمعی از تمام نهادها و مراکز تاریخ پژوه، با توجه به استعداد و امکانات هر یک از آنها، خط‌مشی، اهداف و برنامه‌های پژوهشی آنان به تصویب رسد و نهادهای یادشده موظف گردند که در چارچوب برنامه مصوب عمل نمایند. این برنامه پژوهشی می‌تواند موضوع محور (ریشه‌های انقلاب اسلامی، شکل‌گیری نهضت اسلامی، روحانیت و حوزه‌های علمیه، دانشگاه و جریان روشنفکری، تاریخ شفاهی، جریان‌های سیاسی، مطالعات اقتصادی، پژوهش‌های سیاسی و روابط بین‌الملل، دفاع مقدس و ...)، زمان محور (پیش از مشروطه، انقلاب مشروطه، پهلوی اول، آغاز حکومت محمدرضاشاه تا کودتای ۲۸ مرداد، شکل‌گیری نهضت اسلامی و ...) یا مکان محور (توسعه شعب استانی و پژوهش در برش جغرافیایی معین) باشد.

۵. تقابل‌های تاریخ‌نگارانه و غفلت از گفتمان‌های روز

تاریخ شفاهی و خاطره‌نگاری با همه ارزش و اهمیتی که در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی دارد، خود زمینه‌ساز چالش و معضلی برای جامعه است. در خاطرات شخصیت‌های مؤثر در انقلاب، کشاکش‌های سیاسی روز فرصت ظهور می‌یابند و خواسته یا ناخواسته به شکل‌گیری روایت‌های متنوع و درعین‌حال متضاد از یک حادثه می‌گردند که در این مقاله از آن با عنوان «تقابل‌های تاریخ‌نگارانه» یاد می‌شود. این شرایط پیامدهای بسیار و بعضاً منفی به همراه دارد. جدای از درگیری‌های اجتماعی - سیاسی، سلب اعتماد از شخصیت‌ها و کاهش اعتبار و اطمینان خوانندگان به این‌گونه آثار، موجب غفلت از نسل‌هایی

می‌شود که انقلاب را درک نکرده‌اند. پس از انقلاب اسلامی، گفتمان‌های متنوعی شکل گرفته که هریک ویژگی‌ها، نیازها و دغدغه‌های مختص خود را دارد. یکی از وظایفی که تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاران انقلاب اسلامی باید به دوش بکشند، پاسخ‌گویی به نسل‌ها و گفتمان‌های نوظهور است. نسل‌هایی که به دلیل فاصله زمانی از انقلاب و قصور تاریخ‌نگاری، رنج فاصله و شکاف بین نسلی را نیز باید تحمل نمایند.

نتیجه

نتیجه در آستانه چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با بررسی سیر و تحول تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، می‌توان نشانه‌هایی از بلوغ و تکامل آن را در سبک، روش و بینش دید. توجه به ماهیت انقلاب اسلامی، هدفمندی تاریخ‌نگاری، کاربرست سندپژوهی و تاریخ شفاهی، شناخت جریان‌های تاریخ‌نگار در آن حوزه و ضرورت نقد آثار تاریخی آنها و شناسایی آسیب‌های تاریخ‌نگاری بخشی از مهم‌ترین ضرورت‌ها و بایستگی‌های تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی می‌باشند. آنچه در این پژوهش از آنها با عنوان ضرورت‌ها و بایستگی‌ها در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی یاد شد و میزان توجه و تکیه مورخان و پژوهشگران بدانها، بی‌تردید ارتباط معناداری با تکامل تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی دارند. تاریخ‌نگاران انقلاب اسلامی سبک‌های مختلفی چون؛ ترجمه آثار خارجی‌ها، خاطرات خودنگاشت، تاریخ سیاسی انقلاب، نظریه‌های انقلاب، تاریخ محلی، روزشمار انقلاب، گردآوری اسناد (فردمحور یا موضوع‌محور)، دفاع مقدس، سندپژوهی، روایت‌های تصویری و تاریخ شفاهی را تجربه کرده‌اند و با ورود دانشگاه‌ها و مراکز تاریخ‌پژوه به این حوزه، مطالعات علمی، جزئی‌نگر، چندبعدی و بین‌رشته‌ای فزونی یافته‌اند. شناخت ماهیت و چیستی انقلاب اسلامی مورخان را به چنین نکاتی خواهد کشاند؛ که نخست انقلاب اسلامی فارغ از آنکه چه دستاوردهایی داشته است، متمایز از سایر انقلاب‌های جهان و حتی مبارزات پیشین مردم ایران است. از سوی دیگر ماهیت اسلامی انقلاب و اتکاء آن به دین اسلام و آموزه‌های جامع و کامل آن در حوزه‌های مختلف اجتماعی و انحصارناپذیری آن در یک بعد، قهراً انقلاب اسلامی را فراتر از تمام نظریات انقلاب و عوامل سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک قرار خواهد داد و از آن جایی که هر انقلاب در پی غایت و هدفی است، شناخت اهداف مبتنی بر ماهیت انقلاب اسلامی زمینه‌ساز شناخت و تبیین بهتر از آن می‌شود. جریان‌شناسی و نگرش‌شناسی در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، به وجود تاریخ‌نگاری‌های وابسته به جریان‌های سیاسی مختلف تأکید دارد. هر چند منفعت‌جویی‌ها، مصلحت‌گرایی‌ها و خودتریبینی‌های جریان‌های سیاسی و گاهاً معارض، تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی را به مخاطره می‌اندازد.

اما توجه به نقد و بررسی این آثار به کمک منابع متعدد و گوناگون به پویایی تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی و پرهیز از تحریف و یک‌سونگری در تاریخ منجر خواهد شد.

از دیگر شاخصه‌های تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، منابع گسترده‌گی و تنوع منابع از لحاظ کیفی و کمی است. وجود منابع متعدد مکتوب و غیرمکتوب، اسناد تاریخی، وجود شهادتی عینی حوادث و کاربرد تاریخ شفاهی برای تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی غنای بیشتر و نتیجه مستندتری به دست خواهد داد. بنابراین با شناخت و توجه به ضرورت‌ها و بایستگی‌ها در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی و آسیب‌شناسی آن - که یقیناً منحصر به آنچه ذکر شد، نمی‌باشد - می‌توان زمینه دستیابی به تاریخ‌نگاری جامع، فراگیرانی، روشمند، علمی و دور از روایت‌های کلی پیرامون انقلاب اسلامی را فراهم ساخت.

منابع و مأخذ

۱. آقاجری، هاشم، غلامحسین زرگری‌نژاد و عطاءالله حسینی، ۱۳۸۰، تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، به کوشش حسن حضرتی، تهران، نقش جهان.
۲. ابوالحسنی ترقی، مهدی، ۱۳۹۰، نقد و بررسی جایگاه تاریخ شفاهی در تاریخ معاصر ایران (۱۳۱۵ - ۱۳۵۸)، (پایان‌نامه دکتری)، استادان راهنما: مرتضی نورائی و لقمان دهقان نیری، دانشگاه اصفهان.
۳. اسکندری فاروجی، ابوالفضل و علیرضا آقاحسینی، ۱۳۹۴، «کاربست دیپلماسی عمومی در صدور انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، ش ۴۳، ص ۲۶ - ۷.
۴. امام خمینی علیه السلام، سید روح‌الله، ۱۳۷۹، صحیفه امام، ج ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۵. بهبودی، هدایت‌الله، ۱۳۸۳، «سخن اول (سیر تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی)»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۵.
۶. توکلی، یعقوب، ۱۳۸۷، سبک‌شناسی تاریخ‌نگاری معاصر ایران (با تأکید بر تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی ایران)، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگ اسلامی.
۷. _____، ۱۳۸۸، کنکاشی در تاریخ‌نگاری معاصر، تهران، سوره مهر.
۸. جنکینز، کیت، ۱۳۸۷، بازناندیشی تاریخ، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران، آگاه.
۹. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. رجبی، محمدحسن و قاسم تبریزی، ۱۳۸۷، «درآمدی بر تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ص ۴۳ - ۲۸.
۱۱. روحانی، سید کاظم، ۱۳۷۱، «از تاریخ‌نگاری تا تاریخ‌نگری»، کیهان اندیشه، ش ۴۲، ص ۱۴۵ - ۱۴۰.

۱۲. روزنتال، فرانتس، ۱۳۶۵، *تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام*، ترجمه اسدالله آزاد، ج ۱، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۰، *تاریخ در ترازو*، تهران، امیرکبیر.
۱۴. سجادی، سیدصادق و هادی عالم‌زاده، ۱۳۸۸، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران، سمت.
۱۵. شرفی، محبوبه، ۱۳۸۸، «تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگری، ضرورت‌ها و بایستگی‌ها»، *فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ*، سال چهارم، ش ۱۵، ص ۸۷-۱۰۰.
۱۶. شریف امامی، جعفر، ۱۳۸۰، *خاطرات جعفر شریف امامی*، ویراستار حبیب لاجوردی، تهران، سخن، چ ۲.
۱۷. شکوری، ابوالفضل، ۱۳۷۱، *جریان‌شناسی تاریخ‌نگاری‌ها در ایران معاصر*، تهران، بنیاد انقلاب اسلامی.
۱۸. صدقی، ناصر و عارف نریمانی، ۱۳۹۰، *تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک*، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۶۴، ص ۲۳-۱۸.
۱۹. فوکو، میشل، ۱۳۷۹، *ایران: روح یک جهان بی روح*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران، نشر نی.
۲۰. قائم مقامی، جهانگیر، ۱۳۵۰، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، تهران، انجمن آثار ملی.
۲۱. کاظمی، محسن، ۱۳۸۳، «تاریخ شفاهی»، *ماهنامه زمانه*، سال ۳، ش ۲۸، ص ۹۳-۹۰.
۲۲. گلشن روغنی، جعفر، ۱۳۸۵، «تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی (گفتگو با دکتر عباس منوچهری، دکتر حمید احمدی و دکتر محسن بهشتی سرشت)»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ص ۱۷-۵.
۲۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵ (الف)، *نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر*، تهران، صدرا.
۲۴. _____، ۱۳۷۵ (ب)، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران، صدرا.
۲۵. ملائی توانی، علیرضا، ۱۳۹۰، «ملاحظات روش‌شناختی در چستی و اعتبار تاریخ‌نگاری‌های رسمی»، *دو فصلنامه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء*، سال ۲۱، دوره جدید، ش ۷، پیاپی ۸۸.
۲۶. _____، ۱۳۹۲، *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، تهران، نشر نی.
۲۷. مهدوی مقدم، مرجان، ۱۳۸۹، *تئوری توطئه در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی*، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، راهنما حسن حضرتی، مشاور اسماعیل حسن‌زاده، پژوهشکده امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی.
۲۸. میرجعفری حسین و عباس عاشوری‌نژاد، ۱۳۸۷، *تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران و جهان*، تهران، دانشگاه پیام نور.

۲۹. میرجعفری، حسین و مرتضی نورائی، ۱۳۸۸، روش پژوهش در تاریخ، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۰. نامدار، مظفر، ۱۳۸۷، «جستارهایی در منشور تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ص ۹-۲.
۳۱. نورائی، مرتضی و مهدی ابوالحسنی ترقی، ۱۳۹۴، تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران ۱۳۱۵ - ۱۳۵۱، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
۳۲. نورائی، مرتضی، ۱۳۸۲، «مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ شفاهی»، گنجینه اسناد، فصلنامه تحقیقات تاریخی و مطالعات آرشیوی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ش ۴۹ و ۵۰، ص ۷۰-۶۶.
۳۳. _____، ۱۳۸۷، راهنمای نگارش در تاریخ، مشهد، جهاد دانشگاهی مشهد.
۳۴. نیک‌بخت، رحیم، ۱۳۸۵، «اسناد و تاریخ انقلاب اسلامی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ص ۱۰۷-۱۰۲.